بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

خطبه‌ی روز اربعین ۵ مهر ۱۴۰۰

سلام بر زمان و بر آنچه در سینه دارد. حقیقت‌هایی که انوارش معنا کننده‌ی خلقت است. امروز اربعین حقیقتی است که جان‌ها از درک بزرگی‌اش عاجز است چگونه به تماشای صحنه‌ای نشسته که بارها وصف حالش را شنیده و امروز بیان کننده‌ی حقیقت راهی است که ده شب با فرامینش همراه بوده، در بزم فرمانی نشسته که از زبان آخرین پیامبر الهی بر جان‌ها واجب گردیده. همان بزمی که امروز به حاصل چهل روز مبارزه رسیده است و صدایی که در جان اباعبدالله (ع) می‌پیچد. ای انوار قلبم تو را به حرکتی فرمان دادم که ده شب بر اقامتت در طور جان‌ها افزود و اینک به اربعین لیله رسیدی. اربعینی که با آیات الهی جاودانه شد. حق و باطل از آیینه‌ی زمان بیرون آمد. جان‌های مرده نشانی از نامشان باقی نماند و جان‌های زنده بار دیگر به صفحه‌ی زمان آمدند تا عاشقان حق را به مبارزه‌ی باطل بخوانند. باطلی که جنگ و میدان جنگی ندارد، حریفی در مقابل دیده نمی‌شود. او قلب‌ها را به تسخیر خود در می‌آورد تا مرکز عشق را به وادی نابودی بخواند. یارانی که به همراه خورشید جانت به ملکوت سفر کردند تا عهد و پیمان آیات الهی را تفسیر کنند و تو عزیز جانم اهل‌بیتم را به سفری دعوت می‌کنی که جان چون گوهرت را در کنار خویش حس نمی‌کنند. آن‌ها راهی سفری می‌شوند که باطل به ظاهر پیروز میدان مبارزه است و فرزندانم چونان خورشید پشت ابر بر جان‌های مرده می‌تابند تا بار دیگر حق به مبارزه‌ی باطل خوانده شود. باطل جان حقیر و ذلیلش را در این مبارزه بردارد و به هر سو بگریزد ولی راه گریزی نیابد و فرزندانم درحالی‌که زمان را به عطر حق مزین نموده‌اند به کنارم بازگردند.

دخترم زینب (س) به زبانی شیرین مرا بخواند. ای خاتم رسولان (ص) به دخترت بنگر که پرچم رسالتت را به بهای سنگین به کنارت بازگرداند تا آوازه‌ی نهضتی که به آن امر فرموده بودید بار دیگر تا قیامت بر صفحه‌ی زمان بدرخشد و آیینه دارانش را به بزم خویش بخواند. بزمی که امروز ملکوتیان در مقابلش سر تعظیم فرود آورده‌اند و وای

بر وارثان این ارث عظیم که در حقیقتش جانشان نیفروزد. همچنان در دایره‌ی باطل بمانند. عمرشان به بهایی اندک به فروش برسد و به مانند یزیدیان پرچم غم به آغوش گیرند و باطل را در دیده‌ی همگان حق بخوانند و آنچه از این بزم عایدشان شود همان باشد که عاید باطل شد.

پیامبر (ص) می‌فرمایند: ای نور دیده‌ام به سفری خواهی رفت که اربعینش حاصل رسالت موسی کلیم‌اللّه است و شنوندگانش همانانی هستند که همواره توشه‌ی خویش را در صبحگان به مانند مثال قرآن کریم می‌بافند و در شامگان از یکدیگر جدا می‌کنند زیرا چراغ فروزنده‌ی حق را در کنارشان حس نمی‌کنند. آنان به‌مانند کودکان که پدر و مادر خویش را می‌خوانند او را می‌خوانند تا مایحتاج روزمره‌ی خویش را برایشان فراهم سازد و آنان با شکم پر و خیالی آسوده به بستر بروند و جز این حیات، حیات دیگری را درک نکنند. پس اربعین‌ها را بگذرانند. در پای کوه طور بنشینند تا اربعین دیگری از راه برسد و باز جانشان در حق و باطل به آزمایش زمان سپرده شود و آنچه عایدشان در این روز که نامش به یاد آورنده‌ی رشادت شهیدانی است که پا در رکاب عشق نهادند. تا خاطره‌ی خون پاکشان مردگان دهر را به بزم حق بخواند.

غروبی باشد حزن‌انگیز و من به حقیقت جویان و وارثان این روز عظیم مژده می‌دهم که نامشان در زمان به‌عنوان وارثان این حرکت عظیم باقی بماند و همواره گوش‌های منتظر خاطره‌ی آنان را در جانشان بخوانند به نوای:

اللهم عجل لولیک الفرج